

نشریه فرامسگی طیب

نسخه سوم آبانستان سال ۱۳۹۲ زیست و پشت صفحه

عشق به پایان رسید
خون تو پایان نداشت
السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين

بررسی واژه نانو در علم پزشکی و کاربرد آن
طیب عشق: پزشک در اشعار حافظ شیرازی
ایوب در خلیج فارس زنده شد
شیوه های انس گیری دانشگاهیان با قرآن
معرفی فیلم
هوش مصنوعی ، دوست یا دشمن؟

نسخه سوم / تابستان ۱۴۰۲
شماره مجوز: ۴۰۳۴/۱۲۰-۱-۱۴۰۱
صاحب امتیاز: دکتر فریبا کریم زاده
مدیر مسئول: دکتر فریبا کریم زاده
ایمیل نشریه: Tabib.iums@gmail.com
ویراستار: مرتضی بابایی
صفحه آرایی: مرتضی بابایی

سید علی اکبر غریبیان لواسانی
رؤیا ایلکا ، دکتر فرشته عاضدی طهرانی

دکتر سیده زهرا نهاردانی
پری رضوی ، دکتر فریبا کریم زاده
دکتر بهناز اشتري، دکتر پروانه ناصرزاده،
دکتر سید محمد امین حرمشاهی

تمامی حقوق این اثر برای نشریه فرهنگی طیب از دانشگاه علوم پزشکی ایران محفوظ میباشد



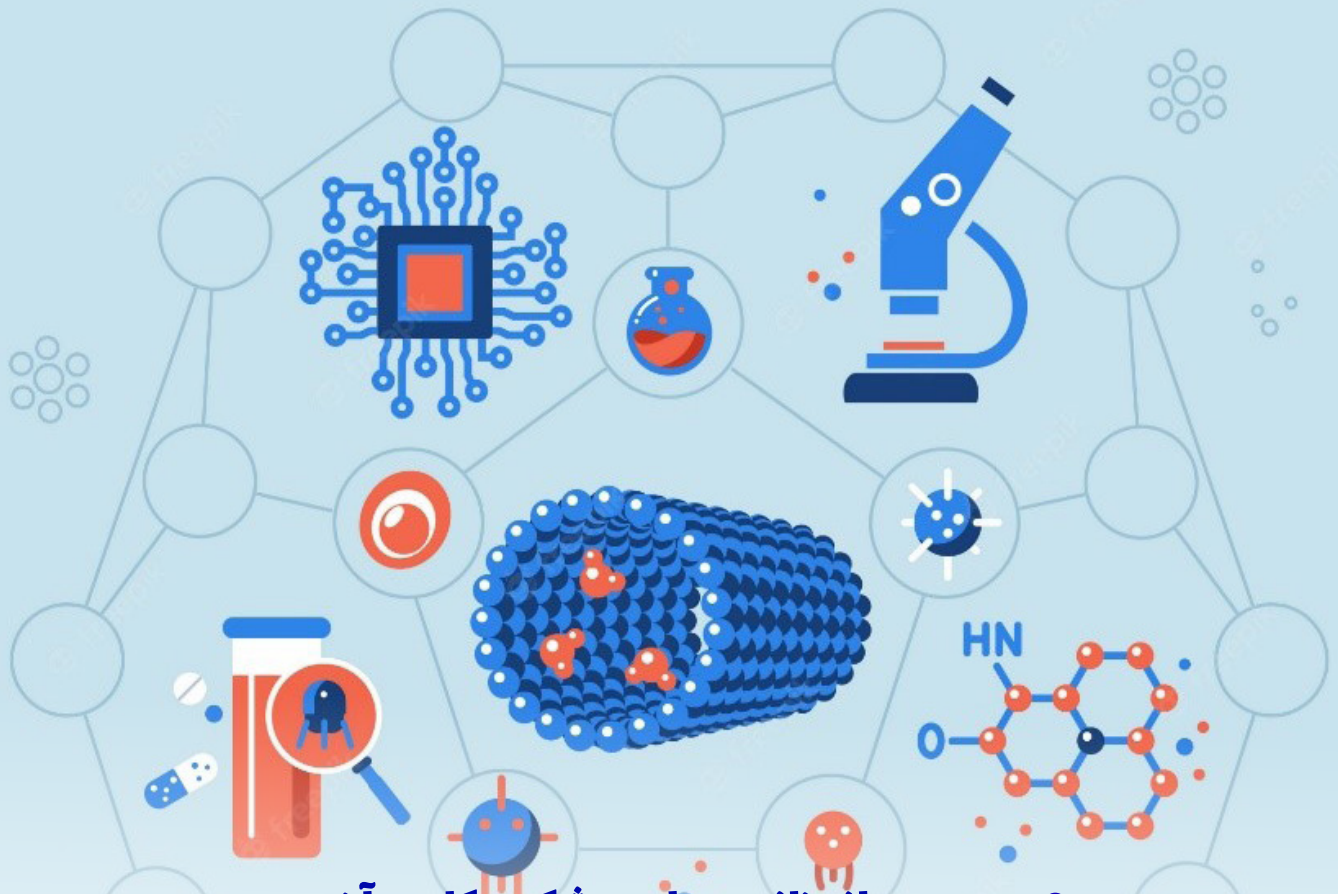
سخن سردبیر



مجله طیب این بار منبریان اوقات فراغت تابستان شما شده است. در این شماره به معرفی رشته می تخصصی نانو فناوری پزشکی توسط یکی از متخصصین این رشته پرداخته ایم. همچنین مقالات ادبی-قرآنی، شمارا دعوت به مطالعه می این شماره خواهد کرد. قطع به یقین از تماشای فیلمی که در این شماره معرفی شده، لذت خواهید برد. بدیه این شماره از طیب به شما، یک داستان کوتاه عاشقانه است که دریای احساسات را موج خواهد کرد. الهی تابستان
عمرتان گرم و تابناک بماند.

دکتر فریبا کریم زاده

سردبیر و مدیر مسئول مجله علمی-فراپزشکی طیب



● بررسی واژه نانو در علم پزشکی و کاربرد آن ●

رؤیا ایلکا، کارشناس ارشد نانوتکنولوژی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

نانو را به عنوان یکی از واژه های پر رمز و راز این روزها، حتماً تاکنون شنیده اید. از این کلمه در مکانها و محصولات مختلف که معروفترین آن جوراب نانو و کارواش نانو باشد، تا نانوداروهای آهسته رهش، استفاده شده است. اما آیا می دانید علم نانو و فناوری نانو چه نقشی در زندگی ما انسانها می توانند ایفا کنند؟ علم نانو و نانوفناوری می توانند در چه شاخه هایی از علم رسوخ نموده و آن علوم و بالطبع زندگی انسانها را دستخوش تغییراتی مثبت نمایند؟

همه چیز از سخنرانی فیزیکدانی به نام ریچارد فاینمن شروع شد: «فضای زیادی در سطوح پائین وجود دارد»، درست است که تقریباً تا ۲۰ سال پس از این سخنرانی، علم نانو عملاً شکوفا نشد، اما همان جرقه ای برای دانشمندان عرصه فیزیک برای کشف فضاهای سطوح پائین و بوجود آمدن علم نانو و در پی آن فناوری نانو (به معنی کاربردی نمودن این علم) شده است.

نانو از کلمه یونانی به معنای کوتوله گرفته شده است و هر ذره ای بین ۱ تا ۱۰۰ نانومتر در محدوده علم نانو قرار می گیرد، به شرطی که وقتی ذره به محدوده سایز نانو رسید، خواص ماده و رفتار آن ذره نسبت به حالت توده ماده متفاوت شود. البته محدوده سایز در نانو پزشکی می تواند تا هزار نانومتر نیز متغیر باشد،



بعبارتی ذرات تا هزار نانومتر در پزشکی جز ذرات نانویی محسوب می شوند. بعنوان مثال، جالب است بدانید که ذرات طلا وقتی به سایز نانو می رسند خواص آنها بصورت کلی تغییر می نماید، طلا در حالت معمول، رسانا نمی باشد، اما وقتی به محدوده سایز نانو می رسد، رسانایی بسیار بالایی از خود نشان می دهد. رنگ ذرات طلا وقتی به سایز نانو می رسند از قرمز تا بنفش متفاوت می شوند و خواص نوری آنها نیز بطرز معناداری تغییر می کند. این ویژگی حیرت انگیز در مورد بسیاری از نانوذرات صدق می کند.

حتماً برایتان سوال شده که علم نانو با نانوفناوری چه تفاوتی دارد؟ نانوفناوری در واقع کاربردی نمودن اصول اثبات شده در علم نانو می باشد، نانو فناوری یک علم میان رشته ای محسوب می شود که در دل رشته های مختلف علوم از جمله پزشکی، علم مواد، مهندسی و بسیاری دیگر از رشته ها جایپیدا کرده است، استفاده از فناوری نانو در محصولات و فرآیندها و فرآورده ها توانسته محصولاتی مقرون بصره تر اما کاراتر، فرآیندهایی کوتاهتر اما اثرگذارتر، فرآورده هایی هدفمندتر را به دنیا عرضه نماید.

یکی از مهم ترین شاخه های این علم، نانوفناوری پزشکی می باشد که به صورت اختصاصی به شاخه های علوم پزشکی ورود نموده و در صدد بهبود محصولات و فرآیندهای تشخیص و درمان بیماری می باشد.

بعنوان مثال: همه ما می دانیم که داروهای شیمی درمانی باعث مرگ سلولهای با رشد فراتر از حالت عادی که ایجاد تومور نموده اند، می شود، از آن طرف هم می دانیم که با تزریق این داروها، علاوه بر سلولهای درگیر تومور، سلولهای سالم هم از بین رفته و عوارض بسیاری از جمله تهوع های شدید، ضعف سیستم ایمنی و ... نیز بروز پیدا می کنند.

تحمل این داروها برای بیمار طاقت فرسا است. استفاده از نانوفناوری در صنعت داروسازی و پرتودرمانی، منجر شده تا داروهای شیمی درمانی را بتوان با روشهایی درون نانوذراتی که سمیتی برای بدن ندارند، بارگذاری نمود و آنها را بصورت موضعی و هدفمند به ناحیه درگیر و سرطانی رساند. این داروهای پرعارضه به کمک نانوذرات حامل، بدون اینکه باقی سلولها و اعضای سالم را متاثر سازند، تنها روی سلولهای نشان شده و سرطانی اثر کرده و بدین صورت سلولهای سالم دستخوش هیچ عارضه ای نمی شوند. پس حجم داروی تزریق شده کم می شود و از آن طرف نیز میزان عوارض جانبی استفاده از این داروها نیز کاهش می یابد.

مثال بالا تنها یکی از کاربردهای نانوفناوری در علم پزشکی می باشد. نانوساختارها می توانند بعنوان حاملهایی جهت رسانش دارو و ژنها به درون سلول مورد استفاده قرار گیرند.

نانوساختارها می توانند جنسهای متفاوتی داشته باشند، از نانوذرات پلیمری گرفته تا نانوذرات فلزی و لیپیدی همگی می توانند با ورود به سلول و یا حتی ورود به هسته سلول، دارو یا ژنهایی را که همراه با خود حمل کرده اند را آزاد نمایند. حتی از لایه پروتئینی خارجی ویروسها نیز به عنوان نانوذراتی برای انتقال ژنها استفاده شده است. نانوذرات از جنس لیپید مانند لیپوزوم ها - که اولین نانوداروی دارای مجوز سازمان غذا و داروی امریکا را نیز شامل می شود به نام دوکسیل- می توانند با خاصیت دوگانه دوستی خود در آب دوستی و آب گریزی براحتی در گردش خون حرکت کرده و بدون فعال سازی سیستم ایمنی بدن، خود را به سلول هدف مشخص شده رسانده و با ورود به



سلول، داروی دوکسوروبیسین حبس شده در هسته درونی خود را آزاد نموده و منجر به ایجاد اثری درمانی در سلول هدف شوند.

نانوذرات طلا که با ویژگیهای خارق العاده شان، به صورت گسترده ای در علم نانو مخصوصاً در جهت درمان سرطان مورد استفاده قرار گرفته اند. وارد نمودن این نانوذرات به درون بدن در نقطه هدف و اعمال گرمای بیرونی به این نانوذرات، بوسیله امواج نزدیک به فرسرخ، منجر به جذب گرما تا حدود ۴۵ درجه سانتی گراد و از بین رفتن همان سلول خاص می باشد. با انتقال این نانوذرات به درون سلولهای سرطانی و اعمال گرما در آن ناحیه، می توان سلولهای توموری را بدون آسیب به سایر سلولها از بین برد.

از نانساختارها در سیستم تصویربرداری پزشکی جهت تشخیص دقیقتر بیماریها و ناهنجاریها نیز می توان استفاده نمود. بعنوان مثال استفاده از نانوذرات مغناطیسی در ام آر آی، می تواند میزان کنتراست تصاویر را بهبود بخشیده و تصاویر دقیقتری را ارائه داد که این امر می تواند در تشخیص زودهنگام بیماریهایی مانند بدخیمی ها بسیار کاربردی باشد.

حتی می توان نانوحاملهایی طراحی نمود که سیستم های تشخیصی و درمانی را به صورت همزمان و کنترل شده به سلول و بافت مدنظر برسانند که به این سیستم ها، سیستم های ترانوستیک (سیستم نانویی با قابلیت تشخیص و درمان بصورت همزمان) می گویند. امروزه بسیاری از مطالعات در حوزه نانوپزشکی، به این سمت سوق پیدا کرده است.

البته ورود این نانوذرات به بدن چالشهایی را به همراه دارد. ورود نانوذرات به بدن منجر به فعال شدن سیستم ایمنی، بروز علائم ناشی از فعال شدن سیستم ایمنی و حتی شوک می شود. دانشمندان برای رفع این مشکل بررسی های زیادی را انجام دادند که در نهایت به این دست یافتند که با تکیه بر بعضی عوامل، می توان از شدت تحریک سیستم ایمنی کاست. این روشها شامل روشهای متفاوتی است از جمله: طراحی سطح نانوذرات با استفاده از موادی مانند پلیمرها، آنتی بادی ها و ...، تنظیم سایز نانوذرات و بار سطحی نانوذرات. بعنوان مثال موادی با سایز بیشتر از ۱۰۰ نانومتر به احتمال بیشتری از ذرات با سایز ۱۰ نانومتر توسط سیستم ایمنی بدن (ماکروفاژها و فاگوسیتها) شناسایی می شوند، پس با مهندسی سایز می توان احتمال ورود نانوذرات به مکان مدنظر را بیشتر نمود.

همانطور که ذکر شد، این علم می تواند در رشته های مختلف مورد استفاده قرار گیرد، یکی از مثالهای نام آشنا، استفاده از نانوذرات بر روی پارچه است که می تواند با ورود به تار و پود پارچه باعث ایجاد خواص متفاوتی

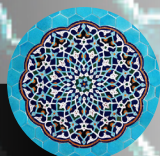


بر روی پارچه مانند آنتی باکتریال شدن، یا خاصیت خود تمیز شونده یا عدم جذب مایعات در آن پارچه شوند.

نانوچیپها و نانویوسنسورها از انقلاب های نانوفناوری در رشته هایی مانند زیست فناوری و ژنتیک می باشند که کار تشخیص بیماریهای ژنتیکی، سرطان ها (در مراحل اولیه) و تشخیص آنتی ژنهای بیماریزا را در حجم کمی از نمونه خون و پلاسما فراهم نموده است.

اما باید در نظر داشت که با توجه به نو بودن این رشته و هم چنین اهمیت چند برابری نانو پزشکی به دلیل ارتباط مستقیم با بدن و سلامت انسان، هم اکنون بسیاری از محصولات نانو، در مرحله انجام تستهای درون تنی، برون تنی و یا مراحل کارآزمایی بالینی هستند. هرچند نانوداروهایی مانند دوکسیل توانستند مجوز سازمان غذا و داروی امریکا را بگیرند و در بالین نیز مورد استفاده قرار گیرند، اما هنوز بسیاری از محصولات نانو، مخصوصاً نانوداروها هنوز موفق به دریافت مجوزهای مربوطه نشده اند.

نانوذرات مطابق با اندازه بسیار کوچکی که دارند، اغلب قادرند از غشای سلولی عبور کرده و حتی در برخی موارد به هسته سلول نیز نفوذ کنند. مسلماً مطالعه، بررسی و رهگیری تاثیراتی که این ذرات بر روی سلول و گاهی روی ژنوم انسان می گذارند و همچنین نحوه دفع این ذرات زمانبر بوده و نیاز به تحقیق و بررسی زیادی در مراحل مختلف دارد. اما نانوفناوری جای خود را در دل دانش های بروز جهان باز نموده است و تلاشها جهت توسعه این رشته هر روز بیشتر می شود. امید است هر چه سریعتر تعداد بیشتری از محصولات نانو، بتوانند بصورت قانونی و با کمترین عوارض جانبی وارد عرصه ی پزشکی شده و عاملی برای بهبود سطح تشخیص و درمان بیماری ها و در نتیجه بهبود سطح سلامت شوند. امکان تحصیل در رشته نانوفناوری با گرایش های متفاوت در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در ایران مهیا شده است. با توجه به تمرکز این مقاله بر رشته نانو فناوری پزشکی، به اطلاع می رساند که تحصیل این رشته در دانشگاه های علوم پزشکی زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صورت می گیرد. جهت اطلاع از رشته های مجاز برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و سایر اطلاعات مورد نیاز، سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی به نشانی sanjeshp.ir مراجعه فرمائید.





طیب عشق:
پزشک در اشعار حافظ شیرازی

سده زهرانهاردانی
دکترای آموزش پزشکی، استادیار گروه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

مقدمه
طیب عشق میخادم است و مشفق لیک

بیماران برای تشخیص ماهرانه، درمان موثر، و فهم انسانی رنج خویش به پزشکان مراجعه می کنند (۱). دو مورد اول یعنی تشخیص ماهرانه و درمان موثر را در دانشکده های پزشکی با دروس مختلف نظری و عملی به دانشجویان آموزش می دهند اما فهم انسانی رنج در حیطه هایی تبلور می یابد که فعلا از سرفصل دروس دانشگاه غایب است. ادبیات بیانگر درد و رنج انسان است و ارتباط آن با پزشکی از دیرباز در آثار شاعران و عرفای بزرگ جهان و به خصوص ایرانی به چشم می خورد (۲).

خورد در تو نیند که را دوا بکند

طیب عشق منم باده ده که این معجون



هر چند عجین بودن با ادبیات برای تمامی افراد جامعه دستاوردهای ارزشمندی به همراه دارد اما برای یک پزشک به واسطه اینکه در زمان بیماری و بحران های جسمی و روحی با انسان ها تعامل دارد، ادبیات نقش برجسته تری ایفا می کند (۳). ادبیات در تعاملات پزشک با بیمار از جمله شرح حال نویسی تشخیصی، ایجاد همدلی و توجه به سلامت معنوی بیمار تاثیر گذار است (۴-۶)

استفاده حکیم بزرگ ابن سینا پزشک مشهور قرن چهارم هجری از شعر تعلیمی در آموزش علوم پزشکی به دانشجویانش خود تائیدی بر تاثیر مضاعف شعر و ادبیات در حوزه پزشکی است (۷) اگر قرار باشد آموزش اثربخش در پزشکی حاصل شود، بسیار مهم است که بر راهبردهای آموزشی با هدف عناصر چندگانه همدلی تمرکز شود نقش شعر به عنوان ابزار شناختی به رشد و توسعه تعاملات دانشجویان پزشکی، با بیماران و خانواده آنها و همچنین همکاران آینده کمک می کند این آموزش عمدتاً بر جنبه شناختی همدلی، به عنوان مکملی بر آموزش مهارت های بالینی متمرکز است (۸)

شعر حافظ نمونه عالی یک شعر تفسیر پذیر است. اشعار تفسیر پذیر بر حسب نوع عادت گریز خود به معانی مختلف تعبیر و تبیین می شوند و به قول حضرت مولانا «هر که از ظن خود شد یار من» در اشعار حافظ بسیار به چشم می خورد. در کل غزلیات حضرت حافظ، بیت های زیادی در خصوص بیماری، عیادت از بیمار، معاینه بیمار، نشانه های تب بیمار یافت می شود اما ابیاتی نیز مستقیم به واژه طبیب اشاره نموده است که این نوشتار سعی دارد طبقه بندی معنایی از این ابیات ارائه دهد.

روش کار:

این مطالعه از نوع تحلیل محتوای کیفی است. جامعه پژوهش در این مطالعه، کتاب دیوان حافظ شیرازی است که در سال ۱۳۸۸ توسط خرمشاهی به چاپ رسیده است. نمونه آماری پژوهش به شیوه هدفمند از نوع موارد مطلوب و شامل اشعاری است که در متن کتاب به طور مستقیم به طبابت اشاره شده است. برای تحلیل داده ها، ابتدا اشعار چندین بار خوانده شد، سپس جهت بررسی دقیق تر به تفاسیر اشعار در متون مختلف مراجعه گردید و در نهایت به کدبندی از معانی این اشعار با توجه به هدف مطالعه منجر شد. از تجزیه و تحلیل داده ها ۳۲ زیر طبقه، ۱۱ طبقه اصلی و ۳ درون مایه پدیدار گشت.

یافته ها:

طی تحلیل داده ها ۳ درون مایه و ۱۱ طبقه پدیدار شدند.

درون مایه	طبقه اصلی
طبابت جانانه	شفادهنگی، پذیرش مسئولیت بیمار، حفظ حریم بیمار
علم طب	تشخیص بیماری، استدلال بالینی، دردشناسی و درمان، تجویز دارو
طبابت پژمرده دل	عدم اخلاق حرفه ای، بیماری محوری، نگاه ابزاری، بی کفایتی حرفه ای



اولین درون مایه اشعار، طبابت جانانه نام گرفته است. از منظر اشعار لسان الغیب قدرت تشخیص و درمان بیماری به همراه پذیرفتن مسئولیت سلامتی بیمار و رعایت کلیه موارد حرفه ای، یک پزشک را شایسته نام طبیب می کند. این ابیات منعکس کننده جایگاه طبیب در جامعه آن زمان می باشد، نمونه هایی از این دست ابیات در زیر آورده شده است.

سگسته وار به درگاهت آدم که طیب
 ای که طیب خسته ای روی زبان من بین
 شربت قند و کلاب از لب یارم فرمود
 علاج ضعف دل ما کرشمه ساقیت

به مومیایی لطف توام نشانی داد
 کاین دم و دود سینه ام بار دل است بر زبان
 نرگس او که طیب دل بیمار من است
 بر آرزو سر که طیب آمد و دوا آورد

دومین درون مایه به دلیل اشاره به تشخیص بیماری و درد شناسی، علم طب نام گرفته است. این دسته اشعار اشاره به معاینه بیمار، تشخیص تب، عیادت بیمار و این قبیل مسائل دارد که نمونه هایی در زیر آورده شده است.

خدا را از طیب من پرسید
 پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
 دل بیمار شد از دست رفیقان مدوی

که آخر کی شود این ناتوان به
 فی بعدا عذاب فی قربها السلامه
 تا طیبش به سر آریم و دوا بی بکنیم

سومین درون مایه با زیر طبقات عدم داشتن اخلاق حرفه ای، نگاه ابزاری، بی کفایتی شکل گرفته است و شکایات جامعه را از جامعه پزشکی منعکس می کند، طبابت پژمرده دل نام گرفته است. این ابیات که معترض گونه می باشد گویای نبودن حرفه ای گری در طبابت می باشد. نمونه ابیات این طبقه به شرح زیر است.

پیش زاهد از زندگی دم مزن که توان گفت
 حافظ از آب زندگی شعر تو داد شربت
 دردم نهفته به ز طیبان مدعی
 منت به ناز طیبان نیازمند مباد

با طیب نامحرم حال در پنهانی
 ترک طیب کن بی نسخه شربت بخوان
 باشد که از خزانه عییم دوا کنند
 وجود نازکت آزرده کنند مباد



دیوان حافظ ثروت بزرگ علمی و فرهنگی است که به ما ارث رسیده و می تواند پشتوانه محکمی برای پیشرفت و ارتقای فرهنگ پزشکی در جامعه ایرانی باشد. با توجه به یافته های این مطالعه، مشخص شد طبیب در اشعار حافظ با سه رویکرد متفاوت وجود دارد. یک رویکرد بار معنایی مثبت به طبابت داشته که پزشک را وسیله شفا دهندگی از جانب خداوند می داند و دیگری رویکردی منفی گرایانه دارد که به جنبه های غیر حرفه ای پزشکی از جمله عدم رازداری، ظاهر سازی و سهل انگاری در درمان اشاره می کند و اشعاری نیز گویای عمل طبابت مانند تشخیص و درمان بیماری است. وجود این تعدد معنایی از طبابت در اشعار حافظ، خود گویای اهمیت بسیار زیاد این حرفه در تاریخ و فرهنگ ایران است. آنچه در این مقاله گذشت قطره ایست از دریای بی کران طب اسلامی - ایرانی، که در اشعار بزرگان شعر و ادب پارسی منعکس شده است (۳).

1. Middleton JA, Sen P, Middleton JR. *Literature and medicine: contributions to clinical practice. Annals of internal medicine. 1995 Dec 6-965:(12)123;15.*
2. Farnamian Y, Rasmi A. *The association between medicine and literature. Journal of Medical Education and Development. 2022 Jun 20.*
3. Gordon JS. *The paradigm of holistic medicine. In Health for the whole person 2019 Mar 13 (pp. 35-3). Routledge.*
4. Wilmer HA. *The doctor-patient relationship and the issues of pity, sympathy and empathy. British Journal of Medical Psychology. 1968 Sep;8-243:(3)41.*
5. Reilly JM, Ring J, Duke L. *Visual thinking strategies: a new role for art in medical education. Fam Med. 2005 Apr -250:(4)37;1.*
6. Nahardani SZ. *Conceptualizing Islamic Spiritual Health in Medical Education: A Neglected or Emerging Discourse. Iranian Journal of Culture and Health Promotion. 2022 Sep -10:0.*
7. Nimroozi M, Salehi A, Mohagheghzadeh A, Kiani H, Imanieh M, Nejabat M. *Didactic poem in traditional medicine: the study of Avicenna's poem on medicine. IJMEHM 24-16: (1) 4 ;2010*
8. Wolters FJ, Wijnen-Meijer M. *The role of poetry and prose in medical education: the pen as mighty as the scalpel? Perspect Med Educ. 2012 Mar;50-43:(1)1. doi: 10.1007/s1-0008-012-40037. Epub 2012 Mar 13. PMID: 23316458; PMCID: PMC3540367.*
9. Shirāzi H, Mohammad S-o. *Divān. With the effort of Amir-houshang Ebtēhāj (Sāyeh). 14;2009.*
10. Limbert JW. *Shiraz in the age of Hafez: the glory of a medieval Persian city: University of Washington Press; 2011.*
11. Limbert J. *Shiraz in the Age of Hafez. The Glory of a Medieval Persian City Seattle. 2004.*





ایوب در خلیج فارس زنده شد اثر پری رضوی

فاطمه خانم توی کوچه روی پله‌ی روبروی خانه‌شان می‌نشیند و بیشتر از دفعات قبل به سیگار پُک می‌زند. این زن و شوهر خیلی وقت است نقششان جابجا شده. احمدنیا بعد از بازنشستگی تمام کارهای خانه را خودش انجام داده، حتی آشپزی می‌کند و فاطمه خانم به جایش روی سکو نشسته، اخبار ایران و عراق را گوش می‌دهد یا سیگار می‌کشد. شوهرش احمدنیا ناراحت می‌شود. هر موقع او را در حال سیگار کشیدن می‌بیند، عصایش را محکم به زمین می‌کوبد و می‌گوید: «آخه زن، کم این زهرمارو بچسبون به لبات! شب به شب با صدای سرفه‌هات...»

فاطمه خانم اجازه نمی‌دهد، حرف احمدنیا تمام شود. مثل اینکه قبلا کسی پشت صحنه کاغذ را دستشان داده و گفته این حرف‌ها را تکرار کن. می‌پرد وسط حرف شوهرش و می‌گوید: «تا وقتی بچه‌ام از خلیج فارس برنگرده آرام نمی‌شم. هر چقدر هم بگی...» احمدنیا بدون اینکه منتظر بماند حرف‌های فاطمه خانم تمام شود دوباره نوک عصایش را به در خانه می‌کوبد.



در باز شده، توی حیاط می‌رود. از ایوان قفسه‌های قناری را برمی‌دارد و یکی‌یکی با لذت، مثل پدری که به بچه‌هایش نگاه می‌کند تماشایشان کرده، عین معلم حساس حاضر غایبشان می‌کند.

بعد دوباره از پله‌ها پایین آورده و به میله‌های وصل شده‌ی درخت کاج، آویزان می‌کند. قبلاً گربه‌ها با پدرسوختگی از بالای دیوار به هوای شکار، قناری‌ها را ترسانده بودند. آنها هم مدت‌ها از ترس آواز نمی‌خواندند. احمدنیا به هیچ چیز اندازه‌ی قناری‌هایش حساس نبود. امکان نداشت روزی یکبار از ترانه‌های خواننده‌ی گل‌سنگ برای قناری‌هایش روشن نکند. وقتی صدای آواز این خواننده می‌آمد، بدتر مست می‌شدند و می‌زدند زیر آواز. شاید هم می‌خواستند ثابت کنند کم از این خواننده ندارند. آن لحظات کسی نمی‌توانست احمدنیا را از عالمی که فقط خودش بود و خودش، در بیاورد.

قناری‌ها به او عادت داشتند. بدون اینکه توی قفس دیوانه بازی درآورند، ساکت روی میله‌ها می‌نشستند و با دقت دور و اطراف را نگاه می‌کردند. اگر خیالشان از آفتاب سوزان و گربه‌های روی دیوار راحت می‌شد، شروع به آواز خواندن می‌کردند. احمدنیا هم هم‌زمان به درختان و گل‌های رز زرد و قرمز مخملی‌اش سر می‌زد. توی گوششان حرف می‌گفت. شاخ و برگ‌های اضافی‌شان را اصلاح می‌کرد. دوباره به بیرون سرک می‌کشید. فاطمه‌خانم در طول روز توی کوچه سه تا کار بیشتر نمی‌کرد. یا سیگار می‌کشید یا با تمام کسانی که از وسط کوچه رفت و آمد می‌کردند، غریبه و آشنا نداشت، باهاشان حرف می‌زد.

شاید درد و دل هم می‌کرد. و یا اینکه با رادیوی آبی جیبی‌اش ور می‌رفت. اهل کوچه بیشتر از رادیو، تلویزیون خانه‌شان، از طریق فاطمه‌خانم در جریان اخبار جنگ ایران و عراق قرار می‌گرفتند.

آنقدر هم روی سکوی خانه‌ی بتول خانم نشسته است که به راحتی آنجا را جزو ملک خود در آورده و از

اخبار تک‌تک خانه‌های کوچه خبر دارد.

هر وقت هم از بتول خانم موقع بیرون آمدن و یا تو رفتن معذرت می‌خواهد، بتول خانم مثل همیشه می‌خندد و چال لپ‌هایش را بیشتر از قبل به نمایش می‌گذارد و می‌گوید: «اصلاً فاطمه خانم سگ‌وی خونه‌ی ما سهله، خود خونه متعلق به شماست.

وقتی شما اینجا هستی، من خیالم راحت‌ه. مسافرت که می‌رم، دیگه بهتر. من فقط یه جای پا از شما می‌خوام برا رفت و آمد...»

فاطمه خانم بازهم اجازه نمی‌دهد حرف بتول خانم تمام شود. این زن و شوهر سنگ بنای زندگی‌شان روی نصفه و نیمه بنا شده است. شاید اگر این نصفه و نیمه‌گی نبود یا باید طلاق می‌گرفتند یا اینکه یکی از دو نفر می‌مرد. همیشه دعوا می‌کردند، ولی نصفه نیمه. معلوم است دلشان نمی‌خواهد تلخی زندگی‌شان بیش از اندازه باشد.

فاطمه خانم مثل یک آشپز ماهر یاد گرفته، مقدار مناسب فلفل زندگی‌اش چقدر است. احمدنیا هم عادت کرده. هر دو خوب هستند، ولی نصفه و نیمه. اگر بخواهی از ته دل فاطمه‌خانم خبر بگیری، خیلی دلش از احمدنیا پر است، اما نصفه و نیمه. داستان زندگی‌اش را راحت به مردم تعریف می‌کند. آن هم نصفه و نیمه. مخصوصاً سر پسرش ایوب.

ایوب تا آخرهای نوجوانی زندگی‌اش روی دیوارهای حیاط می‌گذشت. فقط زمانی پایین می‌پرید که یا دستشویی داشت یا خوابش می‌گرفت. احمدنیا به خاطر باغچه و پرنده‌هایش نگران بود. از دست پسرش همیشه شاک می‌شد. حتی یکی، دو بار به پلیس زنگ زد. او هم چکش به دست، بدون اینکه ترسی از دیدن پلیس‌ها و اسلحه‌هایشان داشته باشد بدتر روی دیوار راه می‌رفت و سعی می‌کرد با چکش



مقابل پلیس‌ها بایستند. بیچاره فاطمه خانم عاجزانه کنار پلیس‌ها روبروی شوهرش به پسرش نگاه می‌کرد و حرفی نمی‌زد. پلیس‌ها نتوانستند جلوی یک نوجوان سرکش که به قول احمدنیا معلوم نبود چه مرگش است، بایستند. کاری از دستشان بر نمی‌آمد. ایوب نه از تهدید می‌ترسید نه از تشویق خوشحال می‌شد. فقط دلش می‌خواست در مسیرهای باریک زندگی راه برود. برادر بزرگش داود همیشه طرفدارش بود.

سر همین ایوب، چندین بار با پدر دعوایش شد. آخرسر به بهانه‌ی درس خواندن از خانه‌شان رفت. فاطمه خانم ماند. مجبور بود بماند. اما نصفی این طرف کنار شوهرش و نیمی آن طرف پیش بچه‌هایش.

بعد از رفتن پلیس‌ها فاطمه خانم با احمدنیا دعوایی نصفه و نیمه راه انداخت.

- چه خبرته مرد؟ تو آخر سر این بچه‌رو از خونه فراری می‌دی. واللله به خدا بچه‌های مردم بدتر از این...

- بذار بره، راحت بشم. عاصی شدم از دستش... و ادامه‌ی دعوایشان را در خانه کردند. خیلی از

حرف‌هایشان نصفه و نیمه شنیده می‌شد. و فضولی همسایه‌هایی که در کوچه یا کنار دیوارهای خانه‌شان گوش به زنگ ایستاده بودند را نصف و نیمه گذاشتند.

احمدنیا مرد عجیبی بود. زن گرفته بود فقط بخاطر اینکه زن بگیرد. و بچه‌دار شده، فقط بخاطر اینکه بچه‌دار شود. حوصله‌ی هیچ کس را نداشت، به جز

قناری و درخت و گل‌های توی باغچه‌اش. آن هم چون توی قفس و باغچه زندانی بودند، تحملشان می‌کرد.

والا به قول فاطمه خانم احمدنیا با هر جنبنده‌ایی که بخواهد پا از گلیمش بیرون بگذارد، دعوا داشت.

آخر آخرها خودش می‌گفت: «دیگه ازدستش خسته شدم. فقط به عشق او مدن بچه‌ها...»

دخترها از وقتی ازدواج کرده بودند، فقط سالی یکبار به

آنها سر می‌زدند.

داود هم خیلی زود درسش را تمام کرد و برای دوره‌ی تخصصی روانشناسی به خارج رفت. حتی ایوب را هم تشویق به رفتن کرد. کسی نمی‌دانست ایوب هر جا می‌رفت، باید دست و پا می‌زد. از نظر او دست و پا زدن در دنیای خاکی خیلی خسته‌کننده بود. برای همین مستقیم راهش را به دریا پیدا کرد و دوره‌ی غواصی را خیلی زود در انگلستان تمام کرد. وقتی به دنبال مادرش آمد، انگار آرام شده بود. اما نصفه و نیمه.

بعد از چند روز صبر و حوصله کردن دوباره صدایی جیغ مانند از حیاطشان بلند شد. فاطمه خانم

نمی‌توانست حریف دو تا مرد هیکلی شود. برای اینکه دعوا را ختم به خیر کند، دست‌های ایوب

را گرفته و از او خواهش می‌کرد هرچه زودتر از خانه بیرون برود. آخرین روز توی حیاط ایستاده

به مادرش می‌گفت: «من اگه از این خونه برم دیگه بر نمی‌گردم.»

احمدنیا داد می‌زد: «من از خدومه...»

فاطمه خانم دست‌هایش را دور گردن ایوب حلقه زده، می‌گفت: «ناراحت نباش پسر. بابات قناریش

مرده، ناراحته. نگران نباش. یه سر برو خونه‌ی

خواهرت، دو سه روز دیگه خودم می‌آم دنبالت...»

فاطمه خانم همان طوری که گفت، بعد از دو سه روز رفت و ایوب را با خود آورد.

این دفعه احمدنیا و فاطمه خانم روبروی ایوب

ایستاده بودند و با افتخار به قد و قواره‌اش نگاه

می‌کردند. او هم ساک در دستش مثل همیشه چیزی نمی‌گفت.

فاطمه خانم از آن زمان تا سال‌ها روی پله می‌نشیند



و اخبار جنگ و جبهه را بارها به طور تکراری گوش می‌دهد. درخانه‌اش را باز نگه داشته تا موقع زنگ زدن تلفن حواسش باشد که جواب بدهد. ایوب آخرین بار توانسته بود یکی از لوله‌های نفت خلیج فارس را ببندد، اما نصفه و نیمه. به خاطر کم بودن امکانات.

فاطمه خانم موقع پخش کردن آش پشت پا با شور و هیجان از کاری که ایوب کرده، می‌گفت: «بچه‌ام کارش مثل شق القمر می‌مونه. بچه‌ام کاری کرده که انگلستان دست به دهن مونده.

از اومدنش به اینجا پشیمون شده. با اینکه برق لوله‌ی نفت بچه‌ام رو پرت کرده. با این حال تونسته کارشو تموم کنه. همین انگلستان ملعون چه قدر پول می‌خواسته برای بستن لوله‌ی خلیج...»

سر هر کاسه‌ایی هم از همسایه‌ها می‌خواست ایوب را دعا کنند تا بتواند کارش را کامل انجام بدهد.

پشت پنجره ایستاده‌ام و به ایوب و عشق پنهانی که از بچگی به او داشتم فکر می‌کنم. با اینکه خیلی باهم فاصله‌ی سنی داشتیم، نمی‌دانم چرا از کارهایش خوشم می‌آمد. پدر همیشه می‌گفت: «این پسر یا دیوانه‌س یا عاشق یا تیزهوش.»

و من در عالم بچگی دعا می‌کردم کاش عاشق باشد، آن هم فقط عاشق من. یک نوع ترس هم توی دلم از بودن و نبودنش داشتم. بدون اینکه کاسه‌ای آش بردارم، کامل از ته دل دعا می‌کنم ایوب سالم برگردد، اما نمی‌دانم این عشق سرمی‌گیرد یا نه؟ شاید بگیرد اما نصفه و نیمه...





شیوه‌های انس‌گیری دانشگاهیان با قرآن

بهناز اشتری^۱، پروانه ناصرزاده^۲ سید محمد امین حرمشاهی^۳

۱ دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده نانوفناوری های نوین پزشکی، گروه نانوفناوری

پزشکی ashtaribeh@gmail.com

۲ دانشگاه علوم پزشکی ایران، پژوهشکده غدد درون ریز و متابولیسم،

pnnew2011@yahoo.com

۳ دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده فناوری های نوین پزشکی، گروه مهندسی بافت و

علوم سلولی کاربردی،

sma.haramshahi@gmail.com

چکیده

قرآن، این بزرگترین محور اتحاد مسلمین جهان، قرن‌هاست که دستخوش غبار افکار و برکنار از زندگی آدمیان، مهجور مانده است. یکی از راه‌های رفع این مهجوریت، گسترش فرهنگ انس با قرآن کریم می‌باشد. هدف این نوشته، یافتن راه‌هایی برای ایجاد انس جوانان دانشگاهی با قرآن کریم است. ایجاد انس، یک کار باارزشی است که تنها افراد خاصی از عهده‌ی آن بر می‌آیند. در این نوشته به مقوله‌ی شیوه‌های ایجاد انس با قرآن تأکید بیش‌تری شده است. به بیان دیگر در این نوشته درباره‌ی ایجاد انس با قرآن و استفاده از شیوه



های مختلف در این رابطه سخن گفته شده است. توجه ویژه به بحث فرهنگ‌سازی قرآنی از طریق تبیین جایگاه قرآن به عنوان کتاب زندگی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود دانشگاهی و تلاش همه جانبه جهت جامعه عمل پوشاندن به توصیه نبی اکرم (ص) مبنی بر تمسک به ثقلین، همچنین ایجاد انگیزه و احساس نیاز برای رجوع به قرآن کریم، از جمله این موارد می‌باشد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، انس، جوانان دانشگاهی، فرهنگ سازی

۱- مقدمه

قرآن کریم، ریسمان استوار و دستاویز محکمی است که خداوند به بندگان هدیه داده است و بنابر سفارش رسول مکرّمش، در کنار عترت، می‌بایست به آن تمسک ورزید (۱). قرآن، تنها کتاب آسمانی است که از تحریف مصون مانده و یگانه کلامی است که بلندای قله فصاحت، هدایت و رستگاری را نوید داده (۲) و رمز و راز مکتوم عالم را باز می‌گوید (۳). در مکتب اسلام، قرآن به عنوان بهترین و مطمئن‌ترین راه انس با حضرت حق تعریف شده است. گرچه انس با قرآن کریم مراحل مختلفی دارد از جمله: نگاه، شنیدن، روخوانی، قرائت، ترتیل، تلاوت، درس (مراجعه مکرر)، حفظ، تدبیر، تفکر، تمسک، فهم و عمل؛ اما مرحله نهایی و اصلی انس، عمل کردن به دستورات آن امانت مقدس الهی و پیاده نمودن در جامعه می‌باشد.

انس یعنی خو گرفتن و آرام یافتن به چیزی. انس گرفتن یعنی همدم بودن، خو گرفتن، ارتباطی فراتر از یک رابطه‌ی معمولی. ارتباطی مستحکم که موجب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری باشد. با تعریفی این چنین، انس جوانان با قرآن معنای ژرف تری به خود می‌گیرد که هدفی والاتر برایش قابل تصور است. هدفی که دلیل نزول قرآن است. انس با قرآن یعنی آموختن قرآن (قرائت صحیح قرآن)، استمرار بر قرائت قرآن

، فهم قرآن و تدبیر در آیات آن و عمل به قرآن. اما کمال انس با قرآن زمانی حاصل می‌شود که موجب تغییر رفتار شود. بدان صورت که شخص و به تبع آن جامعه به آرامشی معنوی دست یابند و از دغدغه‌هایی که گریبان گیر افراد یا جامعه‌ی غیردینی است برهند.

متأسفانه، امروزه در بسیاری از جوامع، انس با امور دنیوی بر انس با کلام حق و کتب دینی منجمله قرآن مقدم شده است. در جامعه دینی ما نیز، گرچه در سایه عنایات حضرت حق و با تلاش و زحمات امام راحل (ره) و مسئولین دلسوز نظام بویژه مقام معظم رهبری و نیز اساتید و خادمین قرآن کریم، بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، شاهد رشد روز افزون فعالیت‌های قرآنی هستیم، ولی میان وضعیت فعلی و آنچه مطلوب جامعه اسلامی است، تفاوت بسیار است.

یکی از مهم‌ترین عوامل برای این که انسان رغبت پیدا کند کاری را انجام دهد- مانند مطالعه کتاب، قرائت قرآن و سایر کارها- این است که نسبت به آن کار، «احساس نیاز» کند. اگر این اتفاق افتاد و انسان احساس نیاز به آن کار کرد، هرگز از انجامش خسته نمی‌شود. ما مسلمانان معمولاً قرآن می‌خوانیم تا با آن، به حال خوش معنوی برسیم و یا به وسیله آن، خواسته‌های خود را از خداوند طلب کنیم. هر چند این نوع استفاده از قرآن، اشکالی ندارد، اما هدف اصلی از خلقت قرآن، این است که انسان به وسیله آن، خداوند را بشناسد و با آن، به اوصاف و خصوصیات الهی پی ببرد و با شناخت و عمل به احکام و دستوراتش، سعادت ابدیش را فراهم آورد. اگر احساس نیاز به قرآن در این راستا در ما به وجود آید، هرگز خستگی و دل زدگی از تلاوت و یادگیری



به صورت بدلی، این نیاز را ارضا می کنند یا این که مانعی باعث می شود ضمیر تشنه انسان، همواره در این تشنگی بماند؛ تا حیات خود را از دست بدهد و هنگامی که انسان، حیات معنوی و روحانی نداشت، احساس نیاز به امور معنوی نمی کند. بنابراین، باید این موانع را کنار زد؛ تا ندای فطرت انسان، خواسته های فطری خود را به گوش جان انسان برساند.

۳- راهکارهای احساس نیاز

راهکارهای «احساس نیاز» به تلاوت و توجه به معانی قرآن عبارتند از:

۱- روایات مربوط به اهمیت قرآن را مطالعه کنید.
۲- معاشرت با کسانی که انس بیشتری با قرآن دارند و موفقیت هایی نیز در این زمینه کسب کرده اند.
۳- مطالعه زندگانی افرادی که با قرآن زیاد سر و کار داشته اند.

۴- پرهیز از گناه و توبه از گناهایی که در گذشته مرتکب شده اید؛ زیرا گناه، لذت و شیرینی عبادت در ذائقه انسان را از بین می برد.

۵- گوش دادن به برنامه های زیبای قرآنی از صدا و سیما و تهیه سی دی های جذاب و استفاده کردن از آنها

۶- تهیه نوارهای قرآن که با صوت زیبا قرآن را تلاوت می کنند.

۷- تلاوت روزانه قرآن

۸- توجه به معانی و مفاهیم قرآن، هنگام خواندن آن

۴- مزایای انس با قرآن

امروزه انسان در معرض آماج حملات روحی و روانی قرار دارد نگرانی های فراوانی او را احاطه کرده، وحشت تنهایی در همه حال انسان را تنها نمی گذارد، او به شدت نیازمند انیس و مونس است که در کنار او آرامش یابد، نگرانی شدید او از تنهایی



به سراغ انسان نخواهد آمد. یک شروع خوب، می تواند به اشتیاق شما کمک کند. باید از ابتدا انسان، تعادل را رعایت کند و به میزانی برای مطالعه وقت بگذارد که باعث خستگی و بی میلی نشود. همیشه در روز زمانی دست از تلاوت قرآن بردارید که هنوز مقداری میل به تلاوت دارید و با زیاد خوانی، خود را خسته نکنید؛ زیرا کیفیت بهره برداری از قرآن نسبت به کمیت آن، از اهمیت بالاتری برخوردار است. و احساس نیاز برای انسان، در کیفیت حاصل می شود؛ نه در کمیت. در این نوشتار سعی بر این است که راهکارهای ایجاد انس با قرآن کریم در میان اقشار جامعه به خصوص جوانان دانشگاهی بررسی شود تا مفاهیم والای این کتاب هدایت الهی، هرچه بیشتر در متن زندگی روزمره وارد شود.

۲- چگونه می توان احساس نیاز را در خود ایجاد کرد؟

اصل «احساس نیاز» به قرآن، در درون انسان ها نهفته است؛ یعنی همان طور که احساس گرسنگی و تشنگی یک امر درونی و ذاتی است، احساس نیاز به قرآن نیز این چنین است؛ اما گاهی چیزهای دیگری



و بی کسی، در همه حوادث دوران زندگی، روح و روان او را می آزارد.

قرآن کریم مونس است که در شرایط عادی و نیز در بحران‌ها و سختی‌های زندگی می‌تواند بهترین همدم انسان باشد.

آری، قرآن بهترین مونس انسان در تنهایی‌ها و نگرانی‌های زندگی است که جلوه انس با قرآن، همراه شدن با گنجینه بی پایان و در اختیار داشتن برنامه جامع و کامل یک زندگی سعادتمندانه است که همه در پی آنند، ولی نمی‌دانند که در کنارشان قرار دارد و به قول معروف یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم.

۵- چگونه با قرآن انس پیدا کنیم؟

راه انس با هر چیزی، ارتباط زیاد با آن است و این مطلب از نظر روان‌شناختی، مسلم و غیر قابل انکار است. اگر غذایی در کام انسان ناخوشایند باشد، با چند بار خوردن، با ذائقه او هماهنگ می‌شود و عادت به شنیدن صدایی ناهنجار، از شدت آزار آن می‌کاهد؛ به گونه‌ای که گاهی اوقات انسان متوجه آن نمی‌شود. اگر انسان قرآن کریم را بشناسد و آن را سخن خداوند بداند که در هر لحظه و ساعت با او به گفت‌وگو می‌نشیند و بدون واسطه، با او سخن می‌گوید، اگر خداوند را به بزرگی و عظمت و لطف و رحمت و حکمت شناخته باشد و بداند که خداوند بزرگ با آن صفات جلال و جمالش در قرآن و کلامش تجلی و ظهور یافته است، آن گاه کلمه قرآن را نور و پاکی و حکمت و پند و هدایت می‌داند و هیچ لذتی در عالم نزد او، بالاتر از انس با قرآن که کلام محبوب و سخن خالق است، نمی‌باشد. یکی از راهکارهای ایجاد انس با قرآن کریم در میان اقشار جامعه، بحث فرهنگ‌سازی است. در کشور ما، علیرغم توجه به بحث آموزش‌های قرآنی، نسبت به بحث فرهنگ‌سازی کمتر عنایت شده است؛ در صورتی که این بحث مقدمه و مکمل بحث آموزش می‌باشد و تا هنگامی که جوانان ما انگیزه کافی برای یادگیری قرآن نداشته باشند، روش‌های آموزشی جوابگوی خطاهای موجود نیست. در راستای فرهنگ‌سازی باید به موارد زیر توجه داشت:

۱- تبیین جایگاه قرآن به عنوان کتاب زندگی

قرآن کریم، چشمه‌سار بی‌پایان و فوران آب حیات است (۴). شعاع پر فروغش، روشنی بخش ظلمت‌کده عالم ملک است (۵). مسلماً چنین کتابی، کتاب زندگی و حیات است و مسلمانان نیز می‌بایست به این پیمان نامه الهی، عشق ورزند، بفهمند و عمل کنند. مع الاسف، شاهد هستیم که در کشورمان، بیشترین کاربرد قرائت قرآن در مراسم ختم و سوگواری است و سوره الرحمان که عروس قرآن است و در برخی کشورها همچون پاکستان، در مراسم عروسی خوانده می‌شود؛ مختص مراسم ختم است (۶). در برخی نقاط، مردم هنگام استماع تلاوت قرآن، خود را به تبسم و امیدارند؛ چرا که اعتقاد دارند، قرآن به عنوان پیام الهی حاوی خبرهای شاد و سرور انگیز برای انسان هاست؛ (مشاهدات شخصی دکتر علی اصغر شعاعی قاری ممتاز بین المللی، غنا، آکرا، سال ۸۲) لذا از شنیدن چنین آیاتی، به انسان سرور معنوی دست می‌دهد. یکی از عوامل جذب جوانان به سمت قرآن، میزان لذت بردن از دیدن و شنیدن و خواندن قرآن است که متأسفانه چنین حسی در جوانان ضعیف است و اکثراً با





شنیدن قرآن، یاد مرگ و خبرهای ناگوار می‌افتند. قرآن، شورانگیزترین نغمه‌ای است که جان‌های مشتاقان را به خویش می‌خواند و سرور و وجد و ابتهاج را در دل‌ها می‌سراید (۷). مسلماً، جهت رفع این مهجوریت، می‌بایست به بحث فرهنگ‌سازی نگاه ویژه کنیم. به عنوان مثال، می‌توان الگوی «عروسی‌های مذهبی» را طراحی و ارائه کنیم. معمولاً از فرصت ایجاد شده در اجتماع حاضر در عروسی‌ها استفاده مطلوب نمی‌گردد و احیاناً به بطالت و گاهی به گناه گذران می‌شود؛ در صورتی که می‌توان برنامه‌هایی را برای یک عروسی مذهبی تعریف کرد؛ از جمله: قرائت قرآن کریم، مداحی، تواشیح و مسابقه. مسلماً، ایجاد چنین تحولی در عروسی‌ها و سایر مراسم، باعث ایجاد انس هرچه بیشتر مردم با قرآن و عترت می‌گردد.

۲- استفاده بهینه از ظرفیت‌های موجود در مراکز فرهنگ‌سازی کشور

جهت ایجاد انس با قرآن کریم در جامعه، می‌بایست نگاه ویژه‌ای به نقش مراکز فرهنگ‌سازی داشته باشیم. حوزه‌های علمیه، مساجد و حسینیه‌ها، خانواده، مدارس آموزش و پرورش، رسانه صدا و سیما، مراکز آموزش عالی و دانشگاهی، سینما و تئاتر، اینترنت و جرائد، از عوامل مؤثر در تولید فرهنگ معنویت و کمالات و فضائل انسانی است.

۳- برگزاری اردوهای فرهنگی و تفریحی جهت بسترسازی برای ارتباط عمیق جوانان با قرآن

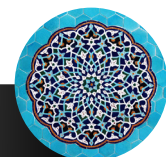
۴- ارائه طرح‌های تشویقی و حمایتی برای جوانان در محیط دانشگاهی مانند کاهش دوره خدمت سربازی و یا گذراندن خدمت سربازی در محیط‌های فرهنگی و محول کردن کارهای فرهنگی به دانشجویان در غالب کار دانشجویی.

در کنار فرهنگ‌سازی برای انس با قرآن، باید به امور زیر توجه کامل داشت:

۱- حداقل روزی ده آیه از قرآن کریم و یا یک صفحه از آن تلاوت گردد؛ بدین معنا که تلاوت قرآن در هیچ روزی ترک نشود.

۲- تدبر در قرآن و آیات نورانی اش فراموش نشود.

۳- آداب ظاهری قرآن، مثل با وضو بودن و رو به قبله بودن و حضور قلب داشتن در وقت تلاوت و سایر آداب،



رعایت شوند .

۴- مواظب گناهان بودن و تصمیم بر ترک آنها و دوری از آنها

۵- در بین گناهان باید بیشتر متوجه گناهان زبان بود؛ چون قرآن از طریق زبان و دهان خوانده و تلاوت می شود؛ پس باید دهان های خود را که راه های قرآن است، پاکیزه نمایید.

۶- آشنایی با ادبیات عرب و صرف و نحو، به ویژه معانی لغات قرآن و ترجمه آن که این امر در انس با قرآن و استفاده بهتر از آن، نقش به سزایی دارد.

۶- مراتب انس با قرآن

یکی از ویژگی های قرآن، این است که هر کس به اندازه انس با آن و تدبر و تفکر در آیات آن و حتی تلاوت و روخوانی آن، از این کتاب عظیم، بهره مند می شود. همین روخوانی عادی نیز بر دل ها اثر می گذارد و حتی نگاه کردن به آن نیز دارای فوایدی است. بنابراین، سعی کنید که روخوانی را مقدمه تدبر و تفکر در آیات الهی قرار دهید.

تردید نیست که خواندن قرآن و دعا، با توجه به معانی آنها، تأثیر بسزایی در نفس و جان انسان دارد و این تأثیر خاص، بدون توجه به معانی، حاصل نمی شود؛ ولی به هر حال، خواندن قرآن و دعا، بدون توجه به معانی آنها نیز ثواب و ارزش دارد؛ اما در مرحله پایین تری قرار دارد.

امام خمینی که اهمیت فوق العاده ای به قرائت قرآن و انس با آن می داد، با عمل خویش، مشوق دیگران در اهتمام نسبت به قرآن بود و آن را به عنوان یکی از برنامه های همیشگی خود قرار داده بود و از فرصت های گوناگون برای بهره مندی و انس بیشتر با قرآن، استفاده می کرد. وی چنان مقید به خواندن قرآن بود که هنگامی که بعد از نماز ظهر و عصر برای ناهار می آمد، اگر در این مدت کوتاه چند دقیقه ای فرصت پیدا می کرد، قرآن می خواند که گاهی این اوقات، کمتر از دو دقیقه بود.

درباره شیفتگی امام به قرآن، خانم فاطمه طباطبایی، همسر مرحوم حاج احمد آقا چنین نقل می کند: «نجف که بودیم، آقا چشمشان ناراحت شده بود. دکتر آمد و چشم ایشان را دید و گفت: «شما چند روز قرآن نخوانید و استراحت کنید. امام یک دفعه خندیدند و گفتند: «دکتر! من چشمم را برای قرآن خواندن می خواهم؛ چه فایده ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم. شما یک کاری بکنید که من بتوانم قرآن را بخوانم.

این عشق و علاقه در ماه مبارک رمضان، بیشتر می شد و به قرائت چندین جزء در هر روز می رسید. امام خمینی در عین حال که خود عنایت خاصی نسبت به خواندن قرآن داشت، سفارش ها و توصیه هایی را به همه طبقات و مردم، به ویژه قشر تحصیل کرده حوزوی و دانشگاهی، مبنی بر انس و ارتباط با قرآن و تلاوت آن داشت. در یکی از توصیه ها آمده است:

«فرزندم! با قرآن، این بزرگ کتاب معرفت، آشنا شو؛ اگرچه با قرائت آن و راهی از آن به سوی محبوب، بازکن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت، اثری ندارد که این، وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب، محبوب است؛ اگرچه عاشق و محب، مفاد آن را نداند و با این انگیزه، حب محبوب که کمال مطلوب است، به سراغت آید و شاید دست گیرد.



وي با بيان اينکه دين مابين اسلام پيام آور عزت مسلمين است ادامه داد: تدبر و اندیشه در آیات نوراني قرآن کریم، روش هاي دست يابي به اين عزت را به ما مي آموزد.

۷- برکات انس با قرآن

انس با کلام الهي آثار و برکات مادّی و معنوی فراوانی به همراه دارد که در اینجا بخشی از آنها را با توجّه به کلام وحی و روايات مرور می کنیم:

۱- افزايش ايمان

مؤمنانی که از تلاوت آیات وحی لذّت می برند طبق وعده خداوند نورانيت می يابند و ايمانشان کامل شود. مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل هاشان ترسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، تنها بر پروردگارشان توکل دارند و ايمانشان فزون تر می گردد (۸).

۲- نورانيت فضای زندگی

خانه‌های خود را با تلاوت قرآن، نورانی کنید و خانه هایتان را چون قبرستان قرار ندهید؛ همان طور که يهود و نصارا چنان کردند که در معابد و کنیسه‌ها نماز می‌گزارند و خانه‌های خویش را تعطیل نمودند؛ چون هرگاه در خانه‌ای قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش زياد می‌گردد و آن خانواده بهره مند می‌گردند و برای اهل آسمان نور می‌دهند همچنان که ستارگان آسمان برای اهل زمین، نور افشانی می‌کنند (۱۰۹).

شخصی که بصیر نباشد و راه و چاه را در پیچ و خم حوادث تشخیص ندهد، هرگز نمی‌تواند به سر منزل مقصود برسد. برای همین، زندگی با آیات قرآن برای همه انسان‌ها آگاهی بخش و بصیرت افزاست و مانند چراغ راه، روشنی بخش است.

خداوند می‌فرماید (۱۱): قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يوحىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ

بگو: من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود. این وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ايمان می‌آورند.

همچنین درآیه‌ای، قرآن بهترین وسیله بصیرت معرفی شده است (۱۲): هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْقَوْمِ يوقنون؛ این قرآن وسایل بینایی و بصیرت و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که به آن یقین دارند.



در مکتب اسلام، قرآن به عنوان بهترین و مطمئن‌ترین راه انس با حضرت حق تعریف شده است. گرچه انس با قرآن کریم مراحل مختلفی دارد از جمله: نگاه، شنیدن، روخوانی، قرائت، ترتیل، تلاوت، درس (مراجعه مکرر)، حفظ، تدبر، تفکر، تمسک، فهم و عمل؛ اما مرحله نهایی و اصلی انس، عمل کردن به دستورات آن امانت مقدس الهی و پیاده نمودن در جامعه می‌باشد. برای انس با قرآن باید از نظر فرهنگی بستر مناسب در محیط های دانشگاهی فراهم باشد. انس با قرآن و عمل به دستورات این کتاب آسمانی باعث بهره مندی از برکات آن بوده و آثار آن در زندگی مادی و معنوی فرد به وضوح قابل رویت خواهد بود. انس با قرآن دارای مراتب مختلفی هست و هرکس در حد توان و با توجه به ظرفیت معنوی خود بایستی از این موهبت بهره مند شود.

منابع

- ۱- سیوطی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۶۰؛ کلینی، ۱۳۸۹ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۱۵
- ۲- سوره اسری آیه ۲
- ۳- نحل آیه ی ۸۹
- ۴- انفال آیه ی ۴
- ۵- ابراهیم آیه ی ۲
- ۶- مشاهدات شخصی دکتر علی اصغر شعاعی قاری ممتاز بین المللی ، غنا، آکرا، سال ۸۲
- ۷- زمر آیه ی ۲۳
- ۸- انفال آیه ی ۲
- ۹- کلینی کافی، ج ۲ ص ۶۱۰
- ۱۰- حلی ابن فهد، عده الداعی، ص ۲۶۸
- ۱۱- اعراف آیه ی ۲۰۳
- ۱۲- جاثیه آیه ی ۲۰

بازنجه پورا که درین عالم



● Introducing film : True Spirit

● Directed by: Sarah Spillane

● Written by: Spillane,
Cathy Randall, and
Rebecca Banner.

● <https://www.filimo.com/m/ltvsty>
[https://filmnet.ir/contents/
sc5Qlgp/True-Spirit2023-](https://filmnet.ir/contents/sc5Qlgp/True-Spirit2023-)

معرفی فیلم

فریبا کریم زاده، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
فیلم شور حقیقی یا ترجمه ی دیگر آن روحیه حقیقی (True Spirit)

از جمله فیلم هایی است که بر اساس واقعیت ساخته شده است. به شخصه فیلم های ساخته شده بر اساس واقعیت ارزش بسیاری دارند و می توانند از ابعاد گوناگون آموزنده باشند. این فیلم داستان سفر دریای دختری استرالیایی را روایت می کند که شانزده ساله بیشتر نداشته و جسیکا واتسون نام دارد. او در این سفر همه چیز از جمله جانش را به خطر می اندازد تا آروزی خودش برای قایقرانی بدون توقف در سراسر جهان و به تنهایی را برآورده کند. این سفر ۲۱۰ روز طول می کشد و جسیکا دو هزار و دویست مایل را در آب های پرتلاطم اقیانوس ها می پیماید.

این فیلم در مورد عشق، امید و بقاء است و سرسختی جسیکا را در رویارویی با مشکلات مختلف به تصویر می کشد. در پایان سفر، نخست وزیر استرالیا از او استقبال کرد و او را قهرمان این کشور دانست. شاید از نگاه تماشاگر شجاعت این نوجوان استرالیایی ستودنی باشد ولی به شخصه وقتی از نگاه یک مادر فیلم را دیدم شجاعت مادر و پدر جسیکا قابل تحسین بود. به نظرم این فیلم را تمام والدین باید تماشا کنند بخصوص والدین حمایتگر. این فیلم به والدین می آموزد که شجاعت رها کردن فرزندانشان را بیابند تا فرزندانشان فرصت تجربه ی زندگی را کسب کنند.

این فیلم خوشبختانه دوبله فارسی شده و می توانید در فیلیمو و فیلم نت آن را تماشا کنید.





هوش مصنوعی: دوست یا دشمن؟

دکتر فرشته عاضدی طهرانی، دکتری تخصصی علوم اعصاب، عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سلولی و مولکولی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

در برهه ای از تاریخ زندگی می کنیم که هجوم تکنولوژی های نوین در حال دگرگون سازی اجباری زندگی بشریست. همگی بر این باور هستیم که به نقطه ای از تاریخ رسیده ایم که تسلط ما بر میزان پیشرفت علوم و اثرات آن بر زندگیمان از دست رفته است. بسیاری از ما با شنیدن اخبار مختلف از دستاوردهای دانشمندان در حوزه علوم اعصاب، شبکه های عصبی، کنترل مغز و هوش مصنوعی به این فکر می کنیم که آیا زمانی خواهد رسید که هوش خود ساخته انسانی در قالب های مختلف هم چون یک ربات هوشمند، عاملی خطرناک برای بقای بشر بر روی زمین گردد؟

تولد هوش مصنوعی را می توان به زمان جنگ جهانی دوم نسبت داد. زمانی که نیروهای آلمانی ماشینی به نام ماشین enigma را برای رمزنگاری و ارسال ایمن پیام ها استفاده می کردند. در همان زمان بود که نابغه انگلیسی، آلن تورینگ در تلاش برای شکست این کدها برآمد. تورینگ به همراه تیم خود ماشینی به نام bombe را ساخت که enigma را رمز گشایی می کرد. در دهه شصت و هفتاد میلادی، هوش مصنوعی شکوفا شد. رایانه ها توانستند اطلاعات بیشتری را ذخیره کنند و سریع تر، ارزان تر و در دسترس تر شوند. الگوریتم های یادگیری ماشینی نیز بهبود یافتند و افراد بهتر می دانستند کدام الگوریتم را برای مشکل خود اعمال کنند. در نهایت در دهه ۱۹۸۰، هوش مصنوعی در بخش گسترش ابزار الگوریتمی و افزایش سرمایه ورود کرد و رفته رفته به شکل امروزی درآمد. با پیشرفت فناوری و سایر سخت افزارهای مورد نیاز برای توسعه هوش مصنوعی کم کم ماشین های هوشمند پا به



عرصه گذاشتند که از هوش مصنوعی در بسیاری از فرآیندهایشان استفاده می‌کردند.

امروزه، به کارگیری هوش مصنوعی به این دلیل اهمیت یافته است که می‌تواند در هر شغلی باعث بهبود شده و در نهایت به افزایش درآمد منجر شود. هوش مصنوعی در پشت پرده می‌تواند جنبه‌هایی از بهبود را پیشنهاد دهد که به روشنی برای فرد مشخص نبوده و حتی در برخی موارد می‌تواند وظایف را بهتر از انسان انجام دهد. به ویژه در کارهای تکراری و نیازمند توجه به جزئیات، ابزارهای هوش مصنوعی کارها را با سرعت بیشتر و خطاهای به نسبت کمتری انجام می‌دهند. برای هوش مصنوعی سه سطح تعیین شده است. سطح محدود، سطح عمومی و سطح عالی یا همان سوپر هوش.

آنچه بیشتر از همه بحث برانگیز و نگران کننده است سطح سوپر هوش است. سوپر هوش مصنوعی به سیستمی گفته می‌شود که توانسته سطح هوش و درک انسانی را پشت سر بگذارد و به شکلی به هوش فرا بشری دست یابد. این نوع هوشی است که کاربردهای های آن و حتی زمان رسیدن و چگونگی رسیدن به آن سراسر ابهام است. برای رسیدن به این سطح از هوش مصنوعی، یک سیستم هوشمند باید حداقل بتواند تست تورینگ را پشت سر گذاشته باشد. آزمون تورینگ روشی برای سنجش میزان هوشمندی ماشین یا ربات است. آزمون به این صورت انجام می‌گیرد که یک شخص به عنوان آزمایشگر، با یک ماشین و یک انسان به گفتگو می‌نشیند و سعی در تشخیص ماشین از انسان دارد. در صورتی که ماشین بتواند قاضی را به گونه‌ای بفریبد که در قضاوت خود دچار اشتباه شود، توانسته است آزمون را با موفقیت پشت سر بگذارد. تاکنون هیچ ماشینی به سطحی از درک و شعور و وسعت دانش یک انسان بالغ نرسیده است که از این تست سر بلند بیرون آمده باشد. زیرا در این تست ربات باید بتواند انسان را فریب دهد!

از آنجا که تا به حال هیچ جامعه‌ای نتوانسته به سوپر هوش مصنوعی دست پیدا کند این موضوع که آیا قرار است تهدیدی برای بشر باشد یا فرصتی برای او نیز مبهم است. این موضوع حتی مبحث داغی است که بسیاری از صاحب نظران دیدگاه های متفاوتی را در این مورد بیان می‌کنند.

در نهایت به نظر می‌رسد که باید صبر کرد، شاید سیستم دارای سوپر هوش مصنوعی تصمیم بگیرد دوست ما باشد یا شاید هم تصمیم بر نابودی ما و پیشبرد منافع خود بگیرد. اما تصور روزی که دیگر ربات به جای بشر بر دوست یا دشمن بودن انسان تصمیم بگیرد، می‌تواند برای بعضی خوب و برای بعضی همچون فیلمی ترسناک باشد.

در آن روز قطعاً تصمیم دوست یا دشمن بودن آن ربات دیگر با ما نخواهد بود!
منابع:

Azedi F. Ethical Challenges in Artificial Intelligence and Neuroscience. Iran J Biomed Law Ethics. 35-31:(2)1;2020

Yuri Y M Aung, David C S Wong, Daniel S W Ting. The promise of artificial intelligence: a review of the opportunities and challenges of artificial intelligence in healthcare. British Medical Bulletin, Volume 139, Issue 1, September 2021, Pages 15-4, <https://doi.org/10.1093/bmb/ldab016>.



از حسین پامی سیادہ کبریا کی بری؟

Neinava
Neinava_Channel

قادلم پر میزند سمت حرم؛ گویم حسین



آرزو دارم باید آنچه را یاقینی نمی‌باید.

آرزو دارم گشوده شود آنچه را کشایشی در آن نمی‌بینید.

آرزو دارم از آنجایی که گمان نداشتید دست آورید آنچه را در جستجوی آنید.

آنگاه سگفت زده با خود خواهید گفت کیست چنین با من مهربان است.

آری اوست مهربان‌ترین مهربانان.

همانکه فرمود پارسیانی پیشه‌کنید برای شماره‌گیری خواهیم ساخت و از آنجایی که گمان نداشتید روزی

خواهیم داد.

سید علی اکبر غریب‌یان لواسانی، کارشناس رایانه، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران

